آینه‌های روبه‌رو

گفت‌وگو با محسن علی‌اکبری

مشکلات مالیاتی ۲۰ تهیه‌کننده را ممنوع‌الخروج کرد

■ سیاست‌گذاری در سینمای ایران، در طول شش سال گذشته مسیر پر پیچ و خمی را طی کرده است و اینک در آستانه اتفاق دیگری قرار دارد. شورای‌عالی سینما پیشنهاد داد تا سازمان سینمایی تشکیل شود و با وجود موافقت همه مسوولان اجرایی زیاد از جزییات آن اطلاعی در دست نیست. با «محسن علی‌اکبری» به عنوان سخنگوی شورای‌عالی سینما درباره عملکرد این شورا سخن گفته‌ایم.

در این مدت که از تشکیل شورای‌عالی سینما می‌گذرد، مهم‌ترین تصمیمات این شورا چه بوده است؟

عظیم‌ترین بازتاب جلسات شورای سینما، حضور شخص اول قوه مجریه در جلسات سینمایی است که در طول سال‌های قبل بی‌سابقه بوده. تشکیل این شورا نشان‌دهنده اهمیت دولت به سینما و توجه ویژه به آن است. در آینده نیز هر فردی که رییس‌جمهور باشد، این جلسات را ادامه می‌دهد. در این جلسات ما پیرامون بودجه سینمایی کشور صحبت کرده‌ایم و بودجه‌های خوبی برای سینما اختصاص داده شد، مثلا برای ساخت سالن، شهرک‌های سینمایی و فیلم‌های محصول مشترک، بودجه‌های خوبی تصویب شد که می‌تواند برای سینمای کشور بسیار مفید باشد. بحث پیرامون مسایل مادی که اکثریت قریب به اتفاق هنرمندان درگیر آن هستند در این جلسات مطرح شد و بحث مالیات که در دولت‌های قبل ابهام داشت، مورد بررسی قرار گرفت و در حال برطرف شدن است. بسیاری از هنرمندان، درگیر مشکلات مالیاتی هستند و عده‌ای نیز ممنوع‌الخروج شده‌اند. تولید فیلمنامه‌های فاخر هم از دیگر موضوعاتی است که در شورا مطرح شد و مبالغی برای تولید فیلمنامه‌های مناسب اختصاص داده شده است. فیلمنامه اصلی‌ترین مشکل سینماست و قطعا یکی از دلایل فروش نامناسب فیلم‌ها، نداشتن فیلمنامه خوب است. سرمایه‌گذاری باعث می‌شود نویسندگان خوب رغبت بیشتری به نگارش فیلمنامه داشته باشند.

پیرامون مباحث مالیاتی اشاره کردید که عده‌ای ممنوع‌الخروج شده‌اند. می‌توانید آنها را نام ببرید؟

درواقع فکر می‌کنم که خود من هم ممنوع‌الخروج هستم البته دقیق نمی‌دانم، باید بروم فرودگاه تا ببینم ممنوع‌الخروج هستم یا خیر! اما نامه مالیاتی دریافت کرده‌ام. احتمالا ۲۰ تهیه‌کننده در این فهرست قرار داشته باشند. از بین این افراد می‌توان به شایسته، محمدی و چند نفر دیگر از دوستان که من اطلاع دارم اشاره کرد.

تا جایی که شما اشاره کردید اینها مصوبات بوده‌اند. به نظر شما چقدر این مصوبات به عمل نزدیک شده‌اند؟

بودجه‌ها برای پرداخت مالیات هنرمندان ابلاغ شده و در اختیار معاونت سینمایی قرار گرفته است. حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد خبر از اختصاص ۱۵۰ میلیارد تومان جدا از بودجه جاری به تولید سالن‌ها و احداث شهرک‌های سینمایی داد که این مصوبه هم به سیستم مالی دولت ابلاغ شده و به زودی دریافت می‌شود.

این شورا در این مدت توانسته جایگاه خود را در بین هنرمندان پیدا کند؟

وظیفه اصلی شورا ارتباط با دولت و مجاب کردن دولت به حرکات بزرگ برای سینماست. در نتیجه تخصص و هدف شورا، ارتباط مناسب با دولت است. این ارتباط و مصوبات در نهایت برای سینماگران خواهد بود و پیامد آن چیزی نیست جز تولیدات بیشتر که این نیز تا حدودی مشمول زندگی هنرمندان خواهد شد. الان شرایط به گونه‌ای است که هر پنج سال یک‌بار کارگردانی فیلم تولید می‌کند، اما ما تلاش داریم با سرمایه‌گذاری‌هایی که انجام می‌دهیم هر سال کارگردانان بتوانند فیلم بسازند. در سیستم خارج از کشور هم ممنوعیت‌های فراوانی وجود دارد که باعث می‌شود تنها امید ما به اکران داخلی باشد.

بعضی از اهالی سینما شکایت دارند که اعضای شورا از افراد دولتی انتخاب شده‌اند و بخش خصوصی در این بین بی‌نصیب است. نظر شما پیرامون این مطلب چیست؟

این مطلب صحیح نیست. دوستانی که در شورا هستند هفت هنرمند هستند که مثلا جعفری جوزانی، میرباقری، جمال شورجه و باقی دوستان دولتی نیستند. مثلا صحبت‌هایی هست که بهرامی به واسطه ساخت فیلم مریم مقدس بودجه دولتی دریافت کرده است. باید بگویم افرادی که صاحب تفکر هستند اکثریت قریب به اتفاق‌شان از بودجه دولت، فارابی، شهرداری، رسانه ملی و غیره استفاده می‌کنند. درحقیقت افراد صاحب‌فکری نداریم که از بودجه خصوصی فیلمی بسازند. به نظر من ترکیب شورا بسیار خوب است و تصمیمی هم هست که هر دو جلسه یک‌بار از هنرمندان دعوت شود که در شورا شرکت کنند و به این وسیله از نظرات‌شان مطلع شویم.

قرار است به زودی سازمان سینمایی تشکیل شود پیرامون این سازمان برایمان توضیح می‌دهید؟

تشکیل سازمان سینمایی یک موفقیت بزرگ است، در طی سال‌ها ما معاونت سینمایی داشتیم. معاونت سینمایی از منابع و امکانات محدودتری برخوردار بود، اما سازمان سینمایی از نظر مالی و اجرایی توان بیشتری پیدا کرده و سینما به طور جدی‌تری مطرح شده است.

نگاه

در حاشیه اظهارات اخیر مدیر مرکز هنرهای تجسمی
بازی‌ای به‌نام بودجه یک‌دهم درصد



جمشید حقیقت‌شناس*

اخیرا مدیرکل مرکز هنرهای تجسمی با اشاره به مصوبه جدید مجلس در مورد اختصاص یک دهم درصد بودجه امسال به خرید آثار هنری، ابراز امیدواری کرده که این بودجه افزایش یابد. به گفته ایشان، «براساس همین مصوبه مجلس، دستگاه‌های دیگر مکلف‌اند که آثار هنری را خریداری کنند.» این اظهارات مرا بر آن داشت تا نکاتی درباره اختصاص یک دهم درصد بودجه دستگاه‌های دولتی به خرید آثار هنری و حواشی آن بازگو کنم. با اینکه بودجه در نظر گرفته شده برای خرید آثار هنری (یک دهم درصد از نیم درصد) از نگاهی کلی، بودجه اندکی است؛ اما باز هم در شرایط کنونی غنیمت است و می‌تواند امیدوارکننده باشد. اما مشکل اینجاست که ما اول دنبال پول می‌رویم و بعد خرید می‌کنیم؛ در حالی که باید دید چه چیزی خرید می‌کنیم و بعد بودجه درخواست کنیم! این روش، غلط است. با این بودجه می‌خواهند به جامعه هنری کمک کنند در حالی که جامعه هنری خودش کمک‌کننده است. با تجربه‌ای که از سال‌های گذشته داریم، می‌دانیم که بودجه‌ای را اختصاص می‌دهند و به جایی نخواهد رسید. بخشی از آن در این میان حیف و میل می‌شود، مگر اینکه ببینند با این بودجه چه کار می‌خواهند انجام دهند و بعد به مجلس ببرند. یعنی اول باید برآورد اولیه‌ای از بودجه خرید آثار صورت گیرد و بعد از مجلس درخواست کنند. بدون این مکانیزم برای خرید آثار، نتوانسته‌اند مجلس را متقاعد کنند و مجلس درخواست بودجه خرید آثار هنری را رد می‌کند. این بودجه، جنبه حمایتی دارد و به نظر من بدترین شکل حمایت از جامعه هنری است. هنرمندان این‌گونه حمایت‌ها را نمی‌خواهند. این بازی‌ای است که سال‌ها همه را درگیر کرده و تاکنون نقش سازنده‌ای در هنرهای تجسمی نداشته است. معتقدم خرید آثار هنری باید سازنده باشد. در دنیا وقتی بودجه‌ای به خرید آثار هنری اختصاص می‌یابد، انتخاب آثار به نحوی صورت می‌گیرد که ارزش افزوده داشته باشد و برای آن کشور یک نوع سرمایه‌گذاری محسوب شود. اما در ایران اگر این مکانیزم ادامه یابد، اتفاق خاصی با همین بودجه یک دهم درصد از نیم درصد هم نخواهد افتاد. مسوولان در اصل با این بودجه می‌خواهند به جامعه کمک کنند و نه به هنرمند. جامعه ما از نظر تجسمی واقعا فقیر است و تاکنون به مکانیزمی برای استفاده از نیروی بالقوه هنرهای تجسمی در جامعه دست نیافته‌اند.

*نقاش و عضو شورای‌عالی خانه هنرمندان

اعضا، اموال انجمن نمایش را حراج می‌کنند
هنرمندان را کارگر هم نمی‌دانند



شرق: «با تمام تلاش‌هایی که انجام شده هنوز به نتیجه نرسیده‌ایم. وقتی نام هنر را قبول ندارند و ما را کارگر قلمداد می‌کنند و حتی مثل کارگران ساده، چون درآمد کارگران خیلی بیشتر از حقوق اعضای انجمن نمایش است چطور می‌خواهیم حقوق خودمان را بگیریم.» اینها بخشی از صحبت‌های عزت‌الله انتظامی رییس هیات مدیره خانه‌تئاتر بود که در نشست اعضای انجمن نمایش شرکت کرده بود. نشستی که ادامه ماجرای چندین ساله ۴۴ نفر از هنرمندان تئاتر برای دریافت حقوق قطع شده و از دست‌رفته خودشان است. البته انتظامی با تاکید بر اینکه باید ابتدا هنر را به‌عنوان شغل بشناسند و بعد به دنبال حقوق هنرمندان باشیم قول داد که هر کمکی از دستش بر بیاید برای حقوق از دست‌رفته هنرمندان تئاتر خواهد کرد. ماجرای حقوق و مطالبات ۴۴ نفر از اعضای انجمن نمایش ایران یکی از طولانی‌ترین و پرحاشیه‌ترین پرونده‌های تئاتری است که بعد از ۶۷ ماه بحث و شکایت و نامه‌نگاری اداری همچنان در نقطه صفر خود قرار دارد و حالا اعضای سابق انجمن نمایش که جزو چهره‌های سرشناس تئاتری هستند، می‌خواهند از آخرین حق قانونی خود استفاده کرده و اموال این انجمن که شامل شش ساختمان است را توقیف و حراج کنند. داستان هنرمندان انجمن نمایش از آنجایی آغاز شد که در حدود سال ۸۵ مرکز هنرهای نمایشی به یک‌بار حقوق نزدیک به ۵۰ نفر از اعضای رسمی و قانونی انجمن نمایش را قطع کرد. در چند سال گذشته با وجود آنکه تعدادی از این هنرمندان درگذشته‌اند و جمعی هم مانند مصطفی عبداللهی که در همین نشست شرکت کرده بود دچار بیماری‌هایی معتدد یا بازنشست شده‌اند، اما پیگیر دریافت حقوق خود بوده‌اند. هرچند که به هیچ جایی نرسیده‌اند و چنانچه در آخرین بیانیه خود اعلام کردند قصد حراج اموال را دارند. مریم کاظمی نماینده اعضای معترض انجمن نمایش در این نشست که در خانه تئاتر ایران با حضور اعضای هیات مدیره این نهاد صنفی برگزار شد با ارایه گزارشی از روند پیگیری این اعضا برای حل مشکلات حقوقی‌شان با اظهار تاسف از بی‌نتیجه ماندن تلاش‌های اعضای انجمن نمایش خاطرنشان کرد: تنها راهکاری که پیش‌روی ماست، مزایده فروش املاک انجمن نمایش است. این شش ملک به گفته کاظمی از راه‌های غیرقانونی و پولشویی خریداری شده است، در حال حاضر در تصرف خود انجمن نمایش نیست بلکه در تصرف مکان‌هایی مانند وزارت ارشاد بوده و به حکم دادگاه توقیف شده‌اند و بعد از طی مراحل اداری به مزایده گذاشته می‌شوند. براساس طرح طبقه‌بندی مشاغل اعضای انجمن نمایش با رده کارگری قرار بود دارای رده شغلی باشند که چنین اتفاقی نیفتاد. آتیلا پسیانی یکی از هنرمندان انجمن در این مورد گفت: «ما اخراج نشدیم بلکه قطع حقوق شدیم که وضعیتی بدتر از اخراجی است. وضعیت قطع حقوق و بیمه وضعیتی غیرقانونی است که برای ما پیش آمده و هیچ دلیلی هم برای آن وجود ندارد.» پسیانی طرح تاسیس انجمن نمایش در دوره مدیریت علی منتظری را ایده خوبی دانست که می‌خواست نیروی جوان جایگزین دوستانی بشوند که به سن پیری می‌رسند و این نیروی جوان بتواند در مرکز هنرهای نمایشی تولید اثر داشته باشد اما بعد از رفتن علی منتظری این اهداف گم شد: «در تمام دنیا تئاتر ملی با متمرکز کردن یک گروه مرکزی و چندین گروه دیگر شکل می‌گیرد. ایده استخدامی بچه‌های انجمن نمایش در سال ۶۷ از همین جا می‌آمد و پایه‌ای بود برای اینکه تئاتر ملی وجود داشته باشد. بین سال‌های ۶۷ تا ۶۹ یک گروه ۴۸ نفره تشکیل شد که همه فارغ‌التحصیل و جزو پرکارترین بچه‌های تئاتر بودند اگر امروز تلاش می‌کنیم که این وضعیت بسامان شود به این دلیل است که این تفکر از بین نرود. ما می‌خواهیم بچه‌های تئاتر جدی گرفته شوند وگرنه هیچ یک از ما نیازمند حقوق ماهانه ۲۰۰ هزار تومانی انجمن نمایش نیستیم.» رضا فیاضی یکی دیگر از هنرمندان این انجمن مشکل اصلی این هنرمندان را در این چند ساله معلوم نبودن هویت افرادی دانست که پشت این قضیه هستند. این همه مدیر عوض شده اما وضعیت ما همان است که بود. باید دید مشکل کجاست که هنوز این وضعیت ادامه دارد. ایرج راد مدیرعامل خانه تئاتر که این روزها به همراه اعضای دیگر خانه تئاتر در حال پیگیری ثبت تئاتر و هنرمندی به‌عنوان یک ردیف شغلی است؛ در این جلسه گفت: «مساله اساسی این است که هنر به عنوان شغل تعریف نشده است. پیش از این از طریق سازمان استخدامی کشور و وزارت کار هنر به عنوان شغل تعریف شده بود به همین دلیل وقتی در اداره تئاتر کار می‌کردیم، استخدام بودیم و پست استخدامی داشتیم. زمانی که ما داشتیم بازنشسته می‌شدیم پست‌های‌مان ستاره‌دار شد یعنی به افراد جدید قابل انتقال نبود و اینچنین بود که تعریف هنر به عنوان شغل از بین رفت و این یکی از بزرگ‌ترین دردهای ماست که شغلی نداریم، بنابراین چگونه می‌توانیم از امنیت شغلی بگوییم.» مدیرعامل خانه‌تئاتر با اظهار تاسف از جای خالی هنر در سازمان‌هایی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کمیسیون فرهنگی مجلس، شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و... گفت: «در هیچ یک از نهادهای رسمی نامی از هنر نمی‌بینیم و این اسم بسیار کمرنگ است. مهم این است که اگر هنر را به رسمیت می‌شناسند، باید تعریفش کنند که اگر چنین کنند ما جایگاه شغلی داریم. اما به عنوان هنرمند حتی نمی‌توانیم تشکیلات صنفی داشته باشیم.» ایرج راد با اشاره به اینکه هنرمندان را به عنوان کارگر تلقی می‌کنند، تاکید کرد: قشر کارگر بسیار شریف است اما هر شغلی تعریف خود را دارد. متاسفانه از نظر حقوقی به هنرمندان شاغل در انجمن نمایش حق داده شده است اما از نظر عملی هیچ اتفاقی نمی‌افتد. چرا تکلیف ما را معلوم نمی‌کنند. اگر هنر جایگاهی ندارد بگویند تا ما هم وقت خود را تلف نکنیم.

حذف دو نمایشنامه از محمود استادمحمد



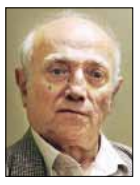
ایسنا: محمود استادمحمد از انتشار مجموعه نمایشنامه‌هایش با عنوان «ای کاش که جای آرمیدن بودی» در روزهای آینده خبر داد گفت: «در این مجموعه، سه، چهار نمایشنامه از کارهای قبلی‌ام چاپ نمی‌شود؛ چراکه یکی دو متن را خودم حذف کردم و یکی، دو متن دیگر را هم به دلیل ممیزی‌هایی حذف کردند.»

اجرای مجدد کنسرت علیزاده و ناظری



پارس توریسم: حسین علیزاده خبر داد: «اجرای مجدد کنسرت گروه دوستی با حضور او و شهرام ناظری ۱۴ و ۱۵ آبان در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار خواهد شد.» پیش‌فروش بلیت‌های گروه «دوستی» ۲۵ تا ۶۰هزار تومان است.

همایون خرم در بیمارستان



فارس: همایون خرم، نوازنده برجسته ویلن و خالق قطعاتی چون رسوای زمانه و دیگر آثار ماندگار موسیقی ایران، چند روز پیش به دلیل ناراحتی معده در بیمارستان بستری شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت. این هنرمند روز گذشته به بخش عمومی منتقل شده و به گفته پزشکان تا اواخر هفته از بیمارستان مرخص خواهد شد.

با شکایت سازمان نظارت بر رسانه‌های بریتانیا
شبکه «پرس‌تی‌وی» از اسکای حذف شد

ایسنا: سازمان نظارت بر رسانه‌های بریتانیا (آفکام) تصمیم گرفته است، پخش برنامه‌های پرس‌تی‌وی را از طریق سرویس پخش دیجیتال ماهواره‌ای برنامه‌های رادیو و تلویزیون انگلیس موسوم به «اسکای» حذف کند. این خبری است که طی روزهای اخیر واکنش‌های متعددی را از سوی شبکه انگلیسی زبان ایران (پرس‌تی‌وی)، مخاطبان این شبکه و همچنین عده‌ای از تحلیلگران سیاسی بین‌المللی به همراه داشته است. آفکام در حالی به متوقف کردن برنامه‌های شبکه «پرس‌تی‌وی» در انگلیس را به خاطر مشکلات اداری در فعالیت پرس‌تی‌وی خوانده است، اما مسوولان پرس‌تی‌وی این حرکت را نقض قوانین رسانه‌ای انگلیس و در نتیجه فشارهای فزاینده افرادی خاص در خانواده سلطنتی و دولت انگلیس، می‌دانند. در تازه‌ترین اظهارنظر در این‌باره، اسماعیل سلامی، تحلیلگر سیاسی در واکنش به حذف پرس‌تی‌وی از ماهواره اسکای گفت این شبکه خبری جایگزین که آفکام نامیدانه سعی بر به سکوت واداشتن آن دارد، به یکی از تازه‌ترین قربانیان تروریسم فکری تبدیل شده است. این تحلیلگر سیاسی به پرس‌تی‌وی گفت: در پی ناکامی آفکام در به سکوت واداشتن پرس‌تی‌وی مستقر در تهران به دلیل گفت‌وگوی جنجال‌برانگیز با مازیار بهاری، روزنامه‌نگار در زمان بازداشتش در تهران، «اکنون به بهانه اینکه پخش محتوای برنامه‌های تولیدی این شبکه مستقر در انگلیس تحت نظارت دفتر تهران است، تصمیم به حذف این شبکه از ماهواره «اسکای» گرفته است.» این در حالی که این بهانه بدون توجه به این حقیقت بیان شده است که پرس‌تی‌وی همواره خود را به عنوان یک شبکه مستقر در تهران معرفی کرده است. آفکام در تاریخ ۲۳ ماه می ۲۰۱۰ در حکمی ادعا کرد که پرس‌تی‌وی با پخش ۱۰ثانیه از مصاحبه مازیار بهاری روزنامه‌نگار کانادایی متولد ایران قوانین این سازمان را نقض کرده است. این در حالی است که پرس‌تی‌وی توضیح داده بود، نه درخواستی از سوی آقای بهاری برای محکومیت رسانه‌های غربی صورت گرفته نه پرس‌تی‌وی. به گفته سایت این تلویزیون دیده‌بان رسانه‌ای انگلیس از آن زمان تحریم‌هایش را برای این شبکه آغاز کرده است.

حاشیه نمایشگاه کتاب فرانکفورت ادامه دارد
دفاع معاون وزیر از غرفه‌های خالی

درست در روزهایی که بسیاری از نویسندگان و ناشران موفق به حضور در شصت‌وسومین دوره نمایشگاه کتاب فرانکفورت نشده‌اند، غرفه بخش نشر دولتی ایران به دلیل بی‌توجهی و عدم حضور متصدیان تعطیل شد. شصت‌وسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت در حالی به کار خود پایان داد که غرفه رسمی جمهوری اسلامی ایران در این نمایشگاه با دیواری حایل مسدود شده بود و تنها ناشران بخش‌خصوصی این فرصت را یافتند که در فرانکفورت حاضر شوند. با وجود انجام مراحل اداری و گرفتن غرفه رسمی ایران در نمایشگاه فرانکفورت، امسال بعد از ۱۰دوره حضور متوالی غرفه ایران در این نمایشگاه مسدود شده است. این در حالی است که مسوولان وزارت ارشاد همچنان توضیح روشنی درباره این بی‌توجهی و شانه خالی کردن از حضور مستمر در این غرفه نشان نداده‌اند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه مراسم اختتامیه فیلم کوتاه گفت:علت عدم شرکت ایران صادر نشدن روادید است اما معاون وزیر ارشاد بدون اینکه به دلیل این ماجرا اشاره کند، گفت این مسدود شدن به نفع ایران بود. بهمن دری در این‌باره به سایت‌های نزدیک به دولت گفته است: «نمایشگاه کتاب فرانکفورت را بزرگ‌ترین و استثنایی‌ترین واقعه فرهنگی نمی‌دانیم، چراکه باید هر رخداد فرهنگی را در حد و اندازه آن ارزیابی کرد. دیپلماسی فرهنگی با دیپلماسی چماق و هویج فرق می‌کند؛ آنچه مهم است حفظ عزت و سرافرازی ایران اسلامی است.» بهمن دری در ادامه این گفت‌وگو باز هم بدون اشاره به دلیل این عدم حضور گفت: «مسدود شدن غرفه ایران- صرف‌نظر از اینکه متعلق به اتحادیه ناشران هم باشد- در نوع خود تبدیل به فرصت و پیامی رسا به نفع ایران شد و از حضور عادی ایران نیز به مراتب تاثیرگذارتر بود و ناخواسته این موضوع گواهی شد بر این ادعا که غرب حتی دیدگاه‌های فرهنگی ایران اسلامی را تحمل نمی‌کند. اما به نظر می‌رسد مجلس هم هنوز در جریان دلیل این عدم حضور نیست و مجلس‌درصدد سوال از این وزارتخانه است. عدم حضور نمایندگان دولتی ایران در نمایشگاه فرانکفورت بازخوردهای فراوانی داشت، با این حال ۲۱ناشر ایرانی دیگر به شکل مستقل در این نمایشگاه حضور داشتند ناشران ایرانی که به شکل مستقل امسال در این نمایشگاه حاضر بودند، اغلب در کنار هم و در سالن شماره ۱۳ حاضر بودند.

گزارش تصویری



استودیو وارنر بروس، دفترچه خاطرات خصوصی الیزابت تایلور بازیگر سینمای آمریکا را به قیمت دو میلیون دلار خریداری کرد. در چند ماهی که از مرگ این بازیگر هالیوودی می گذرد آثار و اشیای به جای مانده از او در حراجی های مختلف فروخته شد. هفته گذشته بخشی از اشیای مربوط به تیلور از جمله جواهراتش به نفع بیماران ایدزی و سرطانی در حراجی کریستی به فروش رسید.



یک سرباز آمریکایی که نویسنده فیلم برنده جایزه اسکار یعنی Hurt locker (قفسه درد) به کارگردانی کاترین بیگلو را به دادگاه کشانده بود، نتوانست ادعای خود را ثابت کند. گروهبان جفری ساور که از سربازان آمریکایی در جنگ عراق بوده است مدعی شده بود که (mark boal) (نویسنده فیلم) داستانش را براساس گفته‌های وی ساخته و به همین دلیل علیه این نویسنده اقامه دعوا کرد. مارک بول هم در مقابل گفته بود که این فیلم براساس گفته‌ها و داستان‌های سربازان زیادی ساخته شده است. در نهایت دادگاه ادعای این سرباز را رد کرد.



پیمان معادی امشب در نمایش «زمستان ۶۶» به جای محمد یعقوبی بازی می‌کند. محمد یعقوبی نویسنده و کارگردان نمایش«زمستان۶۶» خود در این نمایش نقش نویسنده را بازی می‌کند اما در اولین اجرای امشب این نمایش، پیمان معادی به صورت افتخاری این نقش را بازی خواهد کرد. در این نمایش، شخصیت نویسنده روی صحنه حضور ندارد و تنها صدایش به صورت زنده پخش می‌شود.
عکس: مهدی حسنی، شرق

کلبه کوچک من

تاراج (۷۲)

اردشیر خرمنکوب

■ «الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبه انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مأته حبه» مفهوم این آیه را با همنشینان کلبه در میان می‌گذارم. جوان با افسوس سر تکان می‌دهد و می‌گوید: من به کمتر از این هم راضی‌ام. اما مرد زمین‌دوست ماشین‌حساب مخصوص خود را به‌کار می‌اندازد و می‌گوید: یعنی یک دلار سرمایه‌گذاری من می‌شود ۷۰۰ دلار. یک‌میلیون دلار من می‌شود ۷۰۰ میلیون دلار. خوب است. معامله خوبی است. و وقتی مفهوم انفاق را برای او تشریح می‌کنم حالش به‌هم می‌خورد. ابرو در هم می‌کشد و می‌گوید: این انفاق شما، پاشیدن همان بذر در باتلاق است. و ادامه می‌دهد: در افسانه‌ها، یک‌بار و فقط یک‌بار لنگه کفش سیندرلا جامانده، اما همه دختران دم‌بخت دنیا چشم به راه این هستند که ماموری از کاخ پادشاه بیاید و همان یک لنگه‌کفش را به پای آنان اندازه کند. مرد زمین‌دوست کلبه ما، آنچنان با داستان وکیل و زدوبند و سندسازی و تصرف عدوانی زمین‌های معلق آمیخته است که به او حق می‌دهم مفهوم انفاق در آیین ما، حال او را به‌هم بزند. اما جوان برعکس، حساس‌تر می‌شود و با طرح چند پرسش، مرا مشتاقانه از نوشتن بازمی‌دارد.

تاراج

رقم‌های درشتی که در سخنان مرد زمین‌دوست ردوبدل می‌شود، آب از دهان جوان کلبه ما سرازیر کرده است. آنچنان حسرتی در چهره او می‌نشیند که می‌فهمم اعتمادبه‌نفس پیشین خود را در سخن گفتن با او از دست داده است. شاید جوان در افق آرزوهای خود، روزی را تصور می‌کرد که همین ارقام درشت، از زبان خود او شنیده شود و شاید در نگاه و باور هر دو آنان، تحصیلکرده‌ای چون من، با درآمدی بسیار بسیار قلیل، به ضایع کردن و هدر دادن عمر خود مشغول است. خیز نگاه آنان، گاه در من نیز اثر می‌کند. آسیب این کلبه‌ها در همین است. جوانی که در بیرون کلبه، تنها از صافی فهم خود و دوستان هم‌طیف خود عبور می‌کرده است، در اینجا، به صافی مخصوص کارکشته‌ها دچار می‌شود. تردیدها و دلهره‌ها و بلاتکلیفی‌های افراد کلبه، جبر وحشیانه‌ای است که پای لرزان هر اراده‌ای را به زانو می‌نشاند. و من، به خدا پناه می‌برم. و به دریچه دویست‌وشصت‌وچهارم سوره بقره سر فرومی‌برم. در آنجا، به تخته‌سنگی برمی‌خورم که گندم‌کار شوم‌بخت ما، بذر خود را بر خاک سطحی و رویین یک تخته‌سنگ افشانده است. ناگهان توفانی برمی‌خیزد. و رگباری شدید باریدن می‌گیرد. در یک چنین وِلوله‌ای، از گندم‌کار بخت برگشته ما که خود خیس باران است، چه کاری برمی‌آید؟ جز اینکه با تماشای حسرت‌گون همان تخته‌سنگ بزرگ، تلاش و زحمت و سرمایه خود را در معرض تاراج ببیند: «فمثله کمثل صفوان علیه تراب = مثل او مانند کسی است که دانه سنگ سخت ریزد.» خداوند در این تصویر، به خلق مفهومی در قلمرو اخلاق دست می‌برد. اطمینان دارم اگر همین صحنه و واقعیت مثالی آن را برای هم‌کلبه‌ای زمین‌دوستمان تعریف کنم، به بیهوده‌بودن اخلاق در این قرن پرهیاهو می‌پردازد. که یعنی: انفاق و بخشش در راه خدا چه جایگاهی دارد که حالا، نحوه اعمال آنچه باشد! در تصویر تخته‌سنگ و بذر و توفان و رگبار و روییدن هرچه که هست، خداوند به انفاقی اشاره می‌کند که با منت و آزار همراه باشد و به رفتاری که پایانش جز خطا و خسارت هیچ نیست. یک‌نفر به هر دلیل، بخشی از مال خود را به محرومان و مستمندان می‌بخشد. و از آن به بعد، هرازگاه، آوار منتش را بر سر آنان فرومی‌ریزد. این منت‌گذاری، به آزاری می‌انجامد که همه آن مال بخشوده شده را به باد فنا می‌سپارد. در این قضاوت تند، دست خدا، آشکارا، از حمایت فرد انفاق‌کننده فاصله می‌گیرد و به پشتیبانی از محرومان و مستمندان می‌پردازد و از آنان جانبداری می‌کند. که یعنی من خدا، در این معادله، در کنار بندگان محروم خویشم. کسی حق‌ندارد با بخشش پولی، بندگان مرا برنجاند و آزارشان دهد. اگر منتی در کار باشد، مختص من خداست که آن مال را چه کم چه زیاد به او بخشوده‌ام. نه او که امانت‌دار من است. به این ظرافت اخلاقی که می‌اندیشم، باور می‌کنم لغزش از حقیقت ایمان، چه ظریف و مویین است. و به رعایت چه مناسبات شکننده‌ای موکول. همان بهتر که فهم یک چنین ارتعاش ناپیدایی را فعلا از هم‌کلبه‌ای زمین‌دوستمان انتظار نداشته باشم.

ادامه دارد

خبر آخر

ادامه پیشتازی «فولاد واقعی»

■ درام ورزشی علمی-تخیلی «فولاد واقعی» در دومین هفته اکران هنوز در صدر جدول فروش هفتگی قرار دارد. این فیلم محصول مشترک آمریکا و هندوستان به کارگردانی شاون لوی و با بازی هیو جکمن که درباره مسابقات مشت‌زنی ربات‌هاست، در سه روز آخر هفته میلادی گذشته ۱۶ میلیون و ۳۰۰هزار دلار از محل فروش بلیت در سه‌هزار و ۴۴۰ سالن سینما در آمریکای‌شمالی درآمد داشته و مجموع فروش آن در ۱۰ روز گذشته به حدود ۵۲ میلیون دلار رسیده است. دو فیلمی که بازسازی آثار پرفروش دهه ۱۹۸۰ هستند، موزیکال «فوتلوز» و فیلم ترسناک «چیز» به ترتیب با ۱۶ میلیون و یکصد هزار و هشت میلیون و ۷۰۰هزار دلار در سه روز اول اکران در رده‌های دوم و سوم جدول فروش آخر هفته جای گرفتند. «نیمه ماه مارس» جورج کلونی که هفته گذشته در جایگاه دوم بود، در این آخر هفته هفت‌ونیم میلیون دلار فروش داشت و جمع فروش آن در مدت ۱۰ روز در آمریکا و کانادا به ۲۲ میلیون و ۲۰۰هزار دلار رسید.